

آسیب‌شناسی حقوقی کار کودکان و نوجوانان در کسب و کارهای خانوادگی

Pathology of Child and Adolescent Labor in Family Business

Z. Mahdavi Mazinani, M.A. ✉

زهرا مهدوی مزینانی ✉

کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی

M. Mazinani, M.A.

مجتبی مزینانی

وکیل پایه یک دادگستری و کارشناس ارشد حقوق خصوصی

دریافت مقاله: ۸۹/۳/۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۸/۲۳

پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۸

Abstract

Two different ages (15 and 18) have been defined by the Iranian Law as the minimum age for employment. Moreover, workers aged 15-18 have been referred to as 'adolescent workers' and special conditions have been set for their employment and work.

However, there are some considerations in the Labor Act which challenges with regard to children's and adolescents' working.

چکیده:

در قوانین جمهوری اسلامی ایران دو سن مختلف (۱۵ و ۱۸ سال) به عنوان حداقل سن اشتغال تعیین شده است. هم‌چنین، کارگران بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سال نیز تحت عنوان «کارگر نوجوان»، تعریف شده و مقررات خاصی در مورد شرایط کاری آنان وضع گردیده است.

با وجود این، ملاحظاتی در قانون کار وجود دارد که باعث می‌شود تحقق مفاد آن، در رابطه با کار کودکان و نوجوانان با چالش مواجه گردد.

✉Corresponding author: Researcher, M A. in Islamic Jurisprudence and Law, Specialized Clinic for Child and Family, Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran
Tel: +9821-22431572

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، کلینیک تخصصی کودک و خانواده
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۵۷۲
پست الکترونیک: zfkmahdavi@yahoo.com

For example, articles 188, 191, and 189 of the Act provide grounds for the exemption of family workshops and businesses, workshops or firms with less than 10 employees, and certain activities in the agricultural sector from parts of the Act. The above mentioned exemptions, deprive many children and adolescents who are working in the private sector from their welfare rights since the majority of them are working in family businesses, small firms (mainly owned and managed by family members and relatives), and the agricultural sector. The present paper addresses this issue using a descriptive-analytical method, indicating relevant gaps in the country's legal system.

Keywords: child labor, adolescent labor, minimum employment age, family business.

برای مثال، مواد ۱۸۸، ۱۹۱ و ۱۸۹ امکان مستثنا شدن کارگران کارگاه‌های خانوادگی، کارگران کارگاه‌های کوچک کمتر از ۱۰ نفر و همچنین برخی از فعالیت‌ها در بخش کشاورزی و دامداری از شمول قسمتی از قانون کار را فراهم می‌کند. استثنائات فوق باعث می‌شود تا بسیاری از کودکان، نوجوانان و جوانان شاغل در بخش‌های غیردولتی (که اکثریت شاغلان نوجوان و جوان را تشکیل می‌دهند) از مزایای رفاهی در نظر گرفته شده توسط قانون کار محروم شوند.

مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات مورد نیاز به صورت کتابخانه‌ای به واکاوی این موضوع و بررسی خلأهای موجود در قوانین کشور می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: کار کودکان، کار نوجوانان، حداقل سن اشتغال، کسب‌وکارهای خانوادگی

رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی

The Relationship Between Parenting Styles and Children's Perfectionism in a Sample of Iranian Families

M. A. Besharat, Ph.D. ✉

دکتر محمدعلی بشارت ✉

استاد دانشگاه تهران

K. Azizi

کوروش عزیزی

دانشجوی دکترای روان‌شناسی سلامت دانشگاه تهران

H. Poursharifi, Ph.D.

دکتر حمید پورشریفی

استادیار دانشگاه تبریز

دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۱۲/۳

پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۴

Abstract

The main objective of the present study was to examine the relationship between three parenting styles including authoritative, authoritarian, and permissive on the with dimensions of perfectionism including self-oriented, other-oriented, and socially prescribed in a sample of Iranian families. Three hundred and forty two students (184 females, 156 males).

چکیده:

هدف اصلی این پژوهش، مطالعه رابطه سبک‌های فرزندپروری اقتداری، آمرانه و سهل‌گیر والدین با ابعاد کمال‌گرایی خودمحور، دیگرمحور و جامعه‌محور فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی است. سیصد و چهل و دو دانش‌آموز (۱۸۴ دختر، ۱۵۸ پسر) مشغول به تحصیل در پایه‌های اول تا سوم دبیرستان‌های مناطق ۸، ۱۰، ۱۱ و ۱۹ شهر تهران در سال ۱۳۸۸ همراه با والدین‌شان (۳۴۲ پدر، ۳۴۲ مادر)، در این پژوهش شرکت کردند.

✉Corresponding author: College of Psychology and Educational Science University of Tehran, Ale Ahmad Avenue, Tehran, Iran.
Tel: +98021-61117488
Email: besharat@ut.ac.ir

✉نویسنده مسئول: تهران، بزرگراه جلال آل‌احمد، زیر پل گیشا،
دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران
تلفن: ۰۲۱۶۱۱۷۴۸۸
besharat@ut.ac.ir: پست الکترونیکی.

from Tehran schools in sectors 8, 10, 11 and 19 in the academic year 2009-2010 along with their parents (342 fathers, 342 mothers) were included in this study. Students and their parents were asked to complete the Tehran Multidimensional Perfectionism Scale (TMPS; Besharat, 2007) and Parental Authority Questionnaire (PAQ; Buri, 1991), respectively. Analysis of the data involved both descriptive and inferential statistics including the mean, standard deviation, Pearson's correlation coefficient, and regression analysis. Results revealed that only father's authoritarian style was significantly associated with dimensions of perfectionism in children, and father's authoritative style predicted changes in children's other-oriented perfectionism. It can be concluded that authoritarian style of parenting effect on the development of children's perfectionistic characteristics.


Keywords: parenting style, perfectionism, Iranian family.

دانش‌آموزان مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران (TMPS؛ بشارت، ۱۳۸۶) و والدین پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ؛ بوری، ۱۹۹۱) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج پژوهش نشان دادند که سبک فرزندپروری آمرانه پدر با کمال‌گرایی خودمحور ($P \leq 0/05$)، ($r = 0/110$)، دیگرمحور ($P \leq 0/01$)، ($r = 0/145$) و جامعه‌محور فرزندان ($P \leq 0/01$)، ($r = 0/228$) رابطه دارد، همچنین سبک اقتداری مادر، کمال‌گرایی دیگرمحور فرزندان را پیش‌بینی می‌کند ($P \leq 0/027$)، ($\beta = 0/125$). در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت خانواده‌های دارای سبک فرزندپروری آمرانه فرزندان را برای عملکرد کامل تشویق می‌کنند و نسبت به شکست‌های آن‌ها با ناامیدی، اضطراب و بی‌قراری واکنش نشان می‌دهند، در نتیجه فرزندان نیز از هر اشتباهی ترسیده و سعی می‌کنند با کمال‌گرا بودن از اشتباه و شکست دوری کنند.

کلیدواژه‌ها: سبک فرزندپروری، کمال‌گرایی، خانواده‌های ایرانی

تأثیر تجربه فقدان بر ادراک کودکان در مورد والدین و خداوند

The Effects of Experiencing Loss on Child's Perception of Parents and God

R. Nasirzadeh, Ph.D. Student 

راضیه نصیرزاده 

دانشجوی دکترای روان‌شناسی بالینی

Kh. Zalpour, Ph.D. Student

خدیده زال‌پور

دانشجوی دکترای روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۱/۱۷

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۱/۲۳


پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۲۲


چکیده:

شکل‌گیری مفهوم خداوند در کودکان و نقش چهره‌های دلبستگی در پیدایش و تحول این مفاهیم، به ویژه در دهه‌های اخیر مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تجربه فقدان بر ادراک کودکان در مورد مادر، پدر و خداوند طراحی و اجرا گردید. در این پژوهش که از نوع علی - مقایسه‌ای است، از میان کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی نواحی چهارگانه شهر شیراز، تعداد ۱۲۶ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. سه مقیاس افتراق معنایی آژگود در مورد ادراک کودک از پدر، مادر و خداوند جهت جمع‌آوری داده‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

Abstract

Conceptualization of God in children and the role of attachment figures in genesis and the development of this concept have been investigated by psychologists, especially in recent decades. This study aimed to investigate the impact of experiencing loss on child's perception of God, mother and father. In this casual-comparative study, a sample of 126 primary school students from Shiraz was selected through multistage stratified random sampling.

 Corresponding author: Dept. Azad Islamic University, Shiraz.
Tel: +9809173325624

 نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

تلفن: ۰۹۱۷۳۳۲۵۶۲۴

پست الکترونیکی: Raznasirzadeh@gmail.com

Osgood's Semantic Differential Scales were used for data collection.

The results of the analysis of variance showed a significant difference between the children with the experience of parents' divorce, parents' death and children without a loss experience in the perception of God, perception of father, and loving characteristics of God, father and mother. Children with loss experience perceived God, father and mother with less loving characteristics. In the perception of God and loving characteristics of God, the difference between children with the experience of parents' death and children without a loss experience was significant. In the perception of father and loving characteristics of father, there was a significant difference between children with the experience of parents' divorce and children without a loss experience. These results are consistent with correspondence pattern of attachment to God which states that loss experience causes anxiety in child attachment especially, to father, and this would affect attachment to God. Therefore, the child perceives the lost parent and God with less loving characteristics.

Keywords: loss, perception of God, perception of parents.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس نشان داد بین کودکان دارای تجربه طلاق والدین، کودکان دارای تجربه فوت والدین و کودکان عادی از نظر اندازه‌های مربوط به ادراک خداوند، ادراک صفات مهرورزانه خداوند، ادراک صفات مهرورزانه مادر، ادراک پدر و ادراک صفات مهرورزانه پدر تفاوت معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که کودکان دارای تجربه فقدان، خداوند و پدر و مادر را کمتر واجد صفات مهرورزانه توصیف می‌کردند. این تفاوت بین گروه‌ها در اندازه‌های مربوط به ادراک خداوند و ادراک صفات مهرورزانه خداوند، بین گروه‌های عادی با گروه فوت والدین و در اندازه‌های ادراک پدر و ادراک صفات مهرورزانه پدر، بین گروه‌های عادی و گروه دارای تجربه طلاق والدین نیز بود. همچنین، در اندازه‌های ادراک خداوند، ادراک پدر، ادراک صفات مهرورزانه خداوند، ادراک صفات مهرورزانه مادر و ادراک صفات مهرورزانه پدر، بر اساس آن که کودک با چه کسی زندگی می‌کرد، بین گروه‌ها تفاوت معناداری وجود داشت. نتایج این مطالعه همسو با الگوی تطابقی دلبستگی به خداوند نشان می‌دهد، دلبستگی کودک به ویژه به پدر، در نتیجه فقدان با اضطراب همراه بوده و به دلبستگی به خداوند نیز تسری می‌یابد. در نتیجه، کودک والدی را که از دست داده، و به دنبال آن خداوند، را کمتر واجد ویژگی‌های مهرورزانه تلقی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: فقدان، ادراک خداوند، ادراک والدین

اثربخشی آموزش مدیریت والدین بر کارکرد خانواده کودکان مبتلا به
اختلال نقص توجه / بیش‌فعالی

The Effectiveness of Parent Management Training on Family
Function in Children with Attention-Deficit/Hyperactivity
Disorder

A. Sadeghi, M.A. ✉

Sh. Shahidi, Ph.D.

K. Khooshabi, Ph.D.

اکبر صادقی ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان دانشگاه شهید بهشتی

دکتر شهریار شهیدی

دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر کتایون خوشابی

فلوشیپ گروه روان‌پزشکی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دریافت مقاله: ۸۸/۶/۱۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۲/۲۵

پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۸

Abstract

The aim of the present research was to study the effectiveness of parent management training on family function in children with Attention Deficit/Hyperactivity Disorder. A single subject repeated measure design was used in the study. The population consisted of mothers who had children between 4 and 12 years of age with ADHD in Rofaide hospital. The sample group consisted of 14 mothers who volunteered to take parting in the study.

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مدیریت والدین بر کارکرد خانواده‌های کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه / بیش‌فعالی صورت گرفته است. روش پژوهش اندازه‌گیری مکرر (از نوع طرح تک آزمودنی) است. جامعه آماری شامل مادران دارای فرزند ۱۲-۴ ساله مبتلا به اختلال نقص توجه / بیش‌فعالی می‌باشد که به بیمارستان رفیده مراجعه کرده‌اند. نمونه آماری شامل ۱۴ مادر می‌شود که حاضر به شرکت در پژوهش بوده و با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند.

✉Corresponding author: Psychology Dep, Shahid Beheshti University, G. C., Tehran, Iran
Tel: +9809124958314
Email: a.sadeghi377@gmail.com

✉نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
تلفن: ۰۹۱۲۴۹۵۸۳۱۴
پست الکترونیکی: a.sadeghi377@gmail.com

The instruments included the Child Symptoms Inventory (CSI) & Family Assessment Device (FAD). Results showed the training, family functions were improved significantly. The present research confirmed the hypothesis that parent management training leads to increased and facilitated family functions in the family of children with ADHD.

KeyWords: parent management training, Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder, family function.

ابزار پژوهش، ابزار سنجش خانواده (FAD) می‌باشد. یافته‌های حاصل از پژوهش با استفاده از فرمول آماری تحلیل واریانس (اندازه‌گیری مکرر) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان دادند که در پایان دوره آموزش، کارکرد خانواده به طور معناداری بهبود یافته است. همچنین پژوهش نشان داد که آموزش مدیریت والدین منجر به افزایش و بهبودی کارکرد خانواده در خانواده‌های کودکان مبتلا به ADHD شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش مدیریت والدین، اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی، کارکرد خانواده


تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل: ارائه یک مدل زمینه‌ای مقدماتی

Alteration in Marriage Criteria in Three Generations: The Presentation of a Primary Grounded Model

F. Nikparvar 

L. Panghi, Ph.D.

A. Mazaheri, Ph.D.

فاطمه نیک‌پرور 

دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی

دکتر لیلی پناغی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر علی مظاهری

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۸/۳/۱۲
دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۸/۲۰
پذیرش مقاله: ۸۹/۹/۱۶

Abstract


The aim of this survey is to look into the alteration of marriage criteria in three successive generations among the people of Kaboodan village in the city of Qaen. It seeks to investigate not only the changes in the criteria but also the reasons and causes of such alterations.

The study is qualitative in nature in which extensive interviews and observing participants were used.

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل، در میان اهالی روستای کبودان از توابع شهرستان قائن انجام شده است. تا علاوه بر تعیین تغییرات در ملاک‌ها، علل و عوامل مؤثر بر این تغییرات را در بین سه نسل بررسی کند. به این منظور از روش نظریه زمینه‌ای (GT)، به عنوان یک روش تفسیری استقرائی که مبتنی بر کدبندی داده‌هاست استفاده شده است.

Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, G. C., Tehran, Iran
Tel: +9821-22431814
Fax: +9821-29902368
Email: fnikparvar@gmail.com

نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ - دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸
پست الکترونیکی: fnikparvar@gmail.com

The method used for data analysis was of grounded theory as an expository apriority method on the basic of data codification.

Findings included 8 major categories, namely, decrease in kinfolk, coercion versus liberty, elements of renovation (modern education, public media, commuting to towns and cities) welfare, imitating non-native cultures, growth of education, increase of knowledge, disfiguration of families, and the core category of "relative replacement". The present theory is offered within a ground model including three factors of circumstances, interactions and consequences.

Keywords: elements of renovation, alteration in marriage criteria, grounded model, Kaboodan village.

این بررسی یک مطالعه کیفی می‌باشد که از مصاحبه عمیق و شرکت‌کننده مشاهده‌گر استفاده شده است. جهت تحلیل اطلاعات یافته‌های بدست آمده شامل هشت مقوله عمده می‌باشند که عبارتند از: کاهش خویشاوندگرایی، اجبار در برابر اختیار، ورود عناصر نوسازی (آموزش مدرن، رسانه‌های جمعی، رفت و آمد به شهر) و رفاه، الگوپردازی از فرهنگ‌های غیرمحلی، افزایش تحصیلات، افزایش آگاهی، تغییر شکل خانواده و مقوله هسته این بررسی «جایگزینی نسبی» است که مقولات عمده فوق را در برمی‌گیرد. بر این اساس، شرکت‌کنندگان در تغییر ملاک‌های ازدواج یک جایگزینی نسبی می‌بینند. نظریه حاضر در قالب یک مدل زمینه‌ای شامل سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدها که خود بیانگر نظریه زمینه‌ای نهایی می‌باشد، ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: نوسازی، تغییر ملاک‌های ازدواج، نظریه زمینه‌ای، روستای کبودان

تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از آن و رضایت زناشویی

Division of Household Labor, Perceived Justice (Fairness), and Marital Satisfaction

K. Ghobadi, MSc.

کاوه قبادی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

M. Dehghani, Ph.D. ✉

دکتر محسن دهقانی ✉

عضو هیأت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

L. Mansour, MSc.

لادن منصور

عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه شهید بهشتی

M. Abbasi, MSc.

مریم عباسی

کارشناس ارشد خانواده‌درمانی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۳/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۲/۵

پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۲۲

Abstract

Housework, its determinants and the outcomes of household labor division came into the focus of research in 1990s. While the number of women who work outside the house is significantly increasing, they still have the responsibility of housekeeping and child rearing.

چکیده:

اگرچه حضور زنان در مشاغل مختلف افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است، اما هم‌چنان بخش عمده‌ای از مسئولیت‌های خانه برعهده آن‌هاست. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل تأثیرگذار بر تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از تقسیم کار خانگی و تأثیر آن‌ها بر رضایت زناشویی انجام شد.

✉ Corresponding Author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, G. C., Tehran, Iran.
Tel: +98021-88524757
Email: m.dehghani@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۲۱۸۸۵۲۴۷۵۷
پست الکترونیکی: m.dehghani@sbu.ac.ir

This research aims to study household labor division and its determining factors, the perceived fairness of household labor division, and their impact on marital satisfaction. The statistical population of this study included all employed married women and housewives in Kamyaran, Kordestan Province, Iran. A group of 162 employed married women was selected through convenient sampling method, and 150 housewives through multi-cluster sampling method. A series of statistical analyses including Pearson correlation coefficient, t-test, partial correlation and regression analysis was used to study the relationship between the variables.

According to the results of the research, in women, there is a positive, but weak, relationship between household labor and marital satisfaction, but the relationship between perceived fairness of household labor and marital satisfaction is a stronger one. According to the model extracted from regression analysis, 16.9 percent of the variance of marital satisfaction can be accounted for by perceived fairness and 5.5 percent of the variance of household labor division can be explained by the work hours and husband's education variables.

Keywords: gender, gendered attitude, household labor division, marital satisfaction, perceived fairness.

۱۶۲ نفر از زنان شاغل با استفاده از روش نمونه-گیری در دسترس و تعداد ۱۵۰ نفر از زنان خانه‌دار به وسیله روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان زنان متأهل شهرستان کامیاران انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی جزئی، آزمون t برای گروه‌های مستقل و رگرسیون گام به گام استفاده شده است. نتایج نشان دادند که بین تقسیم کار خانگی و رضایت زناشویی رابطه بسیار ضعیف، اما میان عدالت ادراک شده از کار خانگی و رضایت زناشویی رابطه قوی‌تری وجود دارد. مدل به دست آمده از تحلیل رگرسیون بیانگر این است که ۱۶/۹ درصد از کل تغییرات رضایت زناشویی توسط متغیرهای عدالت ادراک شده از کار خانگی و سطح تحصیلات و همچنین ۵/۵ درصد از کل تغییرات متغیر تقسیم کار خانگی توسط متغیرهای ساعات کاری و تحصیلات همسر تبیین می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تقسیم کار خانگی، جنسیت، رضایت زناشویی، عدالت ادراک شده، نگرش جنسی.

ویژگی‌های روانی - شخصیتی زوج‌های ناسازگار و سازگاری زناشویی آن‌ها در ایران و تورنتو

Psychological - Personality Characteristics of Maladjusted Spouses and Their Marital Adjustment in Iran and Toronto

M. Golparvar, Ph.D. ✉

J. Taherizadeh. M.A.

R. Esmaili, Ph.D.

دکتر محسن گل‌پرور ✉

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان

ژاله طاهری‌زاده

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان

دکتر رضا اسماعیلی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان

دریافت مقاله: ۸۸/۷/۲۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۳/۱۳

پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۲۲

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی نقش ویژگی‌های روانی - شخصیتی زوج‌های ناسازگار در ایران (اصفهان) و کانادا (تورنتو) در سازگاری زناشویی آن‌ها است. به منظور دستیابی به این هدف، از جامعه آماری زنان و مردان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان و تورنتو به ترتیب ۱۳۷ و ۷۱ نفر به عنوان گروه نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس برای پاسخگویی به ابزارهای پژوهش انتخاب شدند.

Abstract

The purpose of this research was to investigate the role of psychological-personality characteristics of maladjusted spouses in Iran (Esfahan) and Canada (Toronto) in marital adjustment. The sample included males and females who referred to counseling centers in Esfahan and Toronto, 137 and 71 respectively, using convenience sampling.

✉ نویسنده مسئول: اصفهان، خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی

خوراسگان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

تلفن: ۰۳۱۱-۵۲۳۰۶۴۰-۸

پست الکترونیک: mgolparvar@khuif.ac.ir

✉ Corresponding author: Psychology and Educational college, Islamic Azad university, Khorasgan Branch, Esfahan, Iran.

Tel: +98311-5230640-8

email: mgolparvar@khuif.ac.ir

Research instruments were Spanier's marital adjustment questionnaire and seven subscales of MMPI-2 including depression, thought confusion, subjective boredom, familial maladjustment, paranoia thought, affective alienation and familial problems. Data were analyzed with the use of Pearson's correlation coefficient and stepwise regression analysis. In the Iranian group, results showed that there are negative significant relations between psychological-personality characteristics and marital adjustment ($P < 0.01$). In the Canadian group, there are negative significant relations between depression, thought confusion, subjective boredom, familial maladjustment and familial problems with marital adjustment ($P < 0.05$ and $P < 0.01$). The results of stepwise regression analysis showed that in the Iranian group, familial maladjustment and paranoid thoughts have the predictive power for the prediction of marital adjustment. However, in the Canadian sample group, only familial maladjustment exhibited such a predictive power.

KeyWords: psychological characteristics, marital adjustment, maladjustment.

از پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر و هفت زیرمقیاس برگرفته شده از MMPI-2 شامل افسردگی، آشفتگی فکری، ملال ذهنی، ناسازگاری خانوادگی، افکار گزند و آسیب، بیگانگی عاطفی و مشکلات خانوادگی به منظور دستیابی به داده‌های مورد استفاده در پژوهش استفاده شد.

داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام مورد تحلیل قرار گرفتند. در سطح همبستگی در گروه ایرانی بین ویژگی‌های شخصیتی - روانی با سازگاری زناشویی رابطه منفی معنادار ($P < 0.01$) بدست آمد. اما در گروه کانادایی فقط افسردگی، آشفتگی فکری، ملال ذهنی، ناسازگاری خانوادگی و مشکلات خانوادگی با سازگاری زناشویی دارای رابطه منفی و معناداری ($P < 0.05$ یا $P < 0.01$) بودند. نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که از بین کلیه ویژگی‌ها، ناسازگاری خانوادگی و افکار گزند و آسیب در نمونه ایرانی و در نمونه کانادایی فقط ناسازگاری خانوادگی قادر به پیش‌بینی سازگاری زناشویی هستند.

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های روانی - شخصیتی، سازگاری زناشویی، زوج‌های ناسازگار.

پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن

Emotional Divorce and Strategies to Face it

S. Bastani, Ph.D.

دکتر سوسن باستانی

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)

M. Golzari, Ph.D.

دکتر محمود گلزاری

استادیار دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

Sh. Rowshani

شهره روشنی

کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهرا (س)

دریافت مقاله: ۸۸/۷/۱۴
دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۱۲/۲۳
پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۱

Abstract

The aim of this research is to study the outcomes of emotional divorce and strategies to deal with it, and is fulfilled by the method of grounded theory. The data were gathered through in-depth interviews with 20 women who visited one of the counseling centers in Tehran, and are analyzed by theoretical coding. In these interviews, women expressed their and their children's exposure to emotional

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن، و به روش نظریه مبنایی انجام شده است. اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق با بیست نفر از زنان مراجعه‌کننده به یکی از مراکز مشاوره تهران جمع‌آوری و با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل شده‌اند. زنان در مصاحبه‌ها پیامدهای طلاق عاطفی را مواجهه خود و فرزندان با فشارها و مشکلات روحی بیان کرده‌اند. آنان استراتژی‌های متفاوتی را در مواجهه با طلاق

✉Corresponding author: Department of Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran
Tel: +98021-88044040
Email: sbastani@alzahra.ac.ir

✉نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، گروه جامعه‌شناسی
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۴۴۰۴۰

pressures and problems as the outcomes of the emotional divorce. They followed different strategies confronting emotional divorce; three types of strategies can be distinguished based on women's goals: relationship-centered, self-centered and child-centered. The relationship-centered strategies are aimed to modify and improve marital relationship; the self-centered strategies are adopted for self detection and as an attempt to improve personal life; and the goal of child-centered strategies is to improve children's conditions in different respects. Women's strategies can also be distinguished based on their effects on marital relationship; we can divide them into positive, negative, and neutral strategies. Overall, the relationship-centered strategies are positive or neutral strategies; self-centered and child-centered strategies are negative or neutral strategies. Findings show that women's strategies are different and in some cases opposite, so if we are to treat emotional divorce, we should pay attention to the differences, and we cannot depend on the same treatment for different families.

Keywords: emotional divorce, women, outcomes, strategies

عاطفی دنبال کرده‌اند؛ استراتژی‌های زنان را بر اساس هدف می‌توان به سه دسته رابطه‌محور، خویش‌محور، و فرزندمحور تقسیم کرد. استراتژی‌های رابطه‌محور در صدد اصلاح و بهبودبخشی رابطه همسری است؛ استراتژی‌های خویش‌محور در جهت بازیابی خویش‌تنب و بهبودبخشی زندگی شخصی اتخاذ شده‌اند؛ و هدف استراتژی‌های فرزندمحور نیز بهبودبخشی وضعیت فرزندان در زمینه‌های مختلف است. هم‌چنین استراتژی‌ها بر اساس تأثیری که بر رابطه همسری دارند، به سه دسته مثبت، منفی و خنثی تقسیم می‌شوند. در مجموع استراتژی‌های رابطه‌محور، استراتژی‌هایی مثبت یا خنثی هستند؛ و استراتژی‌های خویش‌محور و فرزندمحور استراتژی‌هایی منفی یا خنثی هستند. نتایج پژوهش تفاوت و حتی در مواردی تضاد در استراتژی‌های زنان را نشان می‌دهد، لذا در درمان طلاق عاطفی توجه به تفاوت‌ها ضروری است و نمی‌توان به روش‌های درمانی یکسان برای خانواده‌های مختلف بسنده کرد.

کلیدواژه‌ها: طلاق عاطفی، زنان، پیامدها، استراتژی‌ها